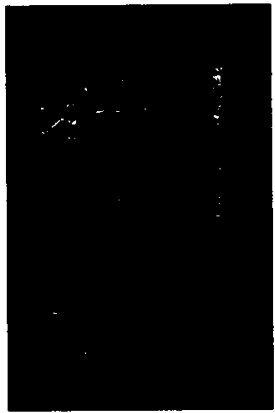




تفسیر تسنیم در ترازی و نقد



بهر روز یدالله پور*

درآمد

تفسیر تسنیم از آثار ماندگار تفسیری شیعه و یکی از بزرگترین آثار علمی آیت-الله عبدالله جوادی آملی است که تاکنون چهارده جلد از آن انتشار یافته است. این اثر حاصل دروس تفسیری وی است.

آیت‌الله جوادی آملی پرورش‌یافته محضر بزرگان فقه، اصول، تفسیر، فلسفه و عرفان حوزه علمیه قم است که محضر اساتید کم‌نظیری همانند آیت‌... العظمی بروجردی، امام خمینی، علامه شعرانی، علامه طباطبایی، آیت‌... محقق داماد، فاضل تونی، شیخ محمدتقی آملی و میرزاهاشم آملی را تجربه کرده است. بهره‌مندی از دروس تفسیر و فلسفه علامه طباطبایی؛ و احساس ضرورت

احیای دروس تفسیر در حوزه‌های علمیه؛ و نیز اقبال فراوان مشتاقان کلام وحی، وی را برآن داشت تا به تدریس تفسیر در حوزه همت گمارد و حاصل آن آثار تفسیری بسیاری از جمله مجموعه تفسیری تسنیم است.

آثار زیادی به بیان و بنان ایشان به چاپ رسیده است. برخی از آنها عبارتند از: ریح مختوم (در شرح حکمت متعالیه) در ۱۰ جلد، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره) تا به حال در ۵ جلد، تفسیر موضوعی قرآن در ۱۷ جلد، تفسیر تسنیم در ۱۴ جلد، تاکنون نیین براهین اثبات خدا، حکمت عبادات، زن در آینه جلال و جمال، نسبت دین و دنیا، انتظار بشر از دین، شناخت‌شناسی در قرآن، فلسفه حقوق بشر، حق و تکلیف در اسلام، وحی و رهبری، مبدأ و معاد، کرامت در قرآن، هدایت در قرآن، تفسیر انسان به انسان و ...

سرّ نامگذاری این تفسیر به تسنیم، اشارت به آیه کریمه «ان الابرار لفی نعیم... و مزاجه من تسنیم، عیناً یشرّب بها المقربون» (مطففین / ۲۸-۲۲) دارد که تسنیم، چشمه اعلائی است که شراب ظهور ویژه مقربان الهی از آن می‌جوشد.

تفسیر تسنیم - که به نوعی استمرار و ارائه نسخه‌ای جدید از میزان علامه طباطبایی است - جایگاهی ممتاز در میان تفسیر پژوهان و مشتاقان مباحث قرآن پژوهی در مجامع علمی حوزوی و دانشگاهی یافته است.

از آن‌جا که جوادی آملی پرورده بزرگان فقه، اصول، فلسفه، کلام، عرفان و تفسیر به‌شمار می‌رود، تفسیر تسنیم در همه این قلمروها حرف‌های شنیدنی و جالب توجه را در خود گردآورده است و از آن‌جا که مباحث این تفسیر قبل از تنظیم و طبع، میان صدها تن از علما و فضلاء برجسته حوزه علمیه قم ارائه می‌گردد و از پرسش‌ها و نقدهای آنان سود می‌برد، از روز آمدی، کارآمدی و دقت، گستردگی دامنه مباحث، قدرت

استدلال بالا و اتقان و استواری بیشتری برخوردار است. تسنیم متفاوت با دیگر تفاسیر، سرآغازی طولانی در معرفی تفسیر و روش‌های تفسیری و شیوه مفسر دارد، که از ابتدا مخاطبان را به سبک تفسیری حاکم بر کتاب آشنا می‌سازد. شاید کمتر کتابی در تفسیر نگاشته شده است که در آن مؤلف، روش خویش را در به تفصیل بیان کرده باشد.

جوادی آملی که خود با روش قرآن به قرآن میزان شناخت کامل دارد و از دغدغه‌های علامه طباطبایی به روشنی آگاه است، می‌کوشد تا از آسیب‌ها و کاستی‌های احتمالی روش تفسیری علامه طباطبایی در میزان در امان ماند و روش کاملتری را در تفسیر به‌کار بندد؛ اگر چه به تعبیر ایشان روش تفسیر ایشان، استمرار روش مرحوم علامه طباطبایی (ره) و گونه‌ای میزان فارسی است، اما تفاوت‌ها و تمایزات مهمی این دو تفسیر را از هم جدا می‌سازد.

پردازش مباحث مهمی چون زبان قرآن، ویژگی‌های تفسیر قرآن، روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تفسیر قرآن به عقل، تفسیر به رأی، جایگاه آرای مفسران و شأن نزول در تفسیر، شبهات نوظهور و فهم قرآن، در طلّیعه تفسیر تسنیم، از تسلط مفسر بر مباحث روش‌شناسی تفسیر و آگاهی وی از آسیب‌های فرارو حکایت می‌کند و رویکرد وی به مسائل جدید در تفسیر قرآن و به‌ویژه پرداختن به سؤالات نوحاسته از الهیات مسیحی و کلام جدید و ... خواننده را برای یافتن پاسخ‌های کارآمد و راهگشا امیدوار می‌نماید.

روش تفسیری آیه‌ا... جوادی آملی در تسنیم از جهت اسلوب و ساختار اصلی از روش تفسیری علامه طباطبایی در میزان پیروی می‌کند، اما بر آنانی که زوایای این دو تفسیر را جست‌اند، روشن است که تفسیر تسنیم در ارائه مباحث تفسیری افقی فراتر را برگزیده است. تأثیرگذاری عنصر



زمان در تدوین تفسیر تسنیم و نیز اقبال فراوان حوزویان و دانشگاهیان به تفسیر و رشد و تعالی مباحث کلامی و اعتقادی و فقهی در این دو حوزه علمی خود از مولفه‌های اثرگذار در اختیار بودن این تفسیر است.



رویکرد تفسیری جوادی آملی

رویکرد آیه... جوادی آملی به سنت، قرآن، عقل و مباحثی چون فقه، عرفان و کلام متمایز از مرحوم علامه طباطبایی است.

جوادی آملی دیدگاه خود درباره روش تفسیر قرآن به قرآن چنین بیان می‌کند: «در روش تفسیر قرآن به قرآن هر آیه از قرآن کریم با تدبّر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود... به هر تقدیر، قرآن کریم به عنوان کلام صاحب شریعت، در ناحیه حجیت و امداد غیر خود نیست و حجیت آن ذاتی است... قرآن کریم هم در اصل حجیت و هم در تبیین خطوط کلی معارف دین مستقل است؛ یعنی حجیت آن ذاتی است و با خود، تفسیر می‌پذیرد؛ گرچه اندیشه‌های بیرونی به عنوان مبدأ قابل فهم قرآن سهم است...» (تسنیم، ج ۱ ص ۶۴).

و درباره «تفسیر قرآن به سنت» آورده‌اند: «یکی از بهترین و لازم‌ترین راه‌های شناخت قرآن، تفسیر قرآن به سنت معصومین (علیهم السلام) است... عترت طاهرین (ع) بر اساس حدیث متواتر تقلین همتای قرآن بوده، تمسک به یکی از آن دو بدون دیگری مساوی با ترک هر دو ثقل است. تفسیر قرآن به سنت، گرچه لازم و ضروری است، لیکن چنین تفسیری در قبال تفسیر قرآن به قرآن، همانند ثقل اصغر است در ساحت ثقل اکبر؛ یعنی در طول آن است، نه در عرض آن...»

و درباره عرضه سنت به قرآن در تفسیر و حجیت آن گفته‌اند: «آنچه باید بر قرآن عرضه شود، سنت غیر قطعی است و هر گونه سنت قطعی نیازی به عرض بر قرآن ندارد... و نیز سنت قطعی همانند قرآن کریم گذشته از بی‌نیازی از عرض بر منبع دیگر، خودش به عنوان منبع جداگانه مورد عرض سنت غیر مقطعی است؛ یعنی حدیث غیر یقینی همان طور که بر قرآن عرضه می‌شود، بر سنت قطعی نیز معروض می‌گردد» (همان، ج ۱، ص ۱۴۲).

جوادی آملی درباره مستقل بودن قرآن، سنت و عقل در حجیت تأکید دارند:

«قرآن کریم با این که در اصل حجیت و همچنین در دلالت ظواهر مستقل است، اما هرگز جهت منحصر نیست، روایات نیز گرچه پس از تثبیت اصل حجیت آن به وسیله قرآن و بعد از احراز عدم مخالفت آن با قرآن (در خصوص

سنت غیر قطعی) حجّتی مستقل است، لیکن جهت مستقل منحصر نیست و این دو حجّت مستقل غیر منحصر همراه با حجّت مستقل سوم یعنی برهان عقلی، سه منبع غیر منحصر معارف دین است.» (همان، ج ۱ ص ۱۵۱).

در نگاه مفسر تسنیم، قرآن، سنت و عقل سه حجت مستقل در تفسیر قرآن به شمار می‌آیند و هیچ کدام از این سه حجّت، منبع منحصر تفسیری به شمار نمی‌آید. از منظر وی تفسیر قرآن به عقل یکی از اقسام تفسیر است؛ یعنی «یکی از منابع علم تفسیر و اصول بررسی و تحقیق برای دستیابی به معارف قرآنی، عقل برهانی است که از مغالطه و هم و تخیل محفوظ باشد. تفسیر عقلی یا به تطفن عقل از شواهد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد به این که عقل فرزانه و تیزبین معنای آیه‌ای را از جمع‌بندی آیات و روایات دریابد که در این قسم، عقل نقش «مصباح» را دارد و نه بیش از آن؛ و چنین تفسیر عقلی مجتهدانه چون از منابع نقلی محقق می‌شود، جزو تفسیر به مآثور محسوب می‌گردد نه تفسیر عقلی، و یا به استنباط برخی از مبادی تصویری و تصدیقی از منبع ذاتی عقل برهانی و علوم متعارفه صورت می‌پذیرد که در این قسم عقل نقش «منبع» را دارد، نه صرف مصباح» (همان ج ۱ ص ۱۷۰).

تسنیم با تکیه بر عقل و نقل، با گرایش کاملاً عرفانی می‌خواهد تا از آیات قرآن رازگشایی نماید و مبحث «لطایف و اشارات» بعد از مبحث تفسیر در این کتاب نشانه آن است و به تعبیر آیه الله معرفت (ره) این تفسیر سرشار از معارف اسلامی به شیوه عارفان حقیقی است که با عمق‌نگری و جامعیت نسبتاً کاملی تقریر و تنظیم گردیده است (تفسیر و مفسران / ج ۲ / ص ۵۳۶)، که رویکرد قرآنی - عرفانی - برهانی ایشان در سراسر تفسیر دنبال شده است.

در الأساس فی التفسیر و دکتر عبدالله محمود شحاته در اهداف و مقاصد سوره های قرآن و ناصر مکارم شیرازی در تفسیر نمونه تلاش کرده اند تا به این بحث بپردازند، اما ارائه معیار در بیان خطوط کلی حاکم بر سوره ها در این تفسیر به زیبایی بیان شده است.



معناپژوهی واژگان در تسنیم

از ویژگی های برجسته تسنیم آن است که مؤلف به جای ترجمه آیات، گزیده تفسیر را آورده و با اعتقاد به این که واژگان قرآنی در هیچ یک از فرهنگ های رایج جهان حتی زبان فارسی معادل ندارد، به بیان خلاصه مباحث تفسیری به صورت فشرده، پرداخته است.

پرداختن به معانی واژگان آیات به طور مستقل تحت عنوان مفردات و بهره گیری از فرهنگ های معتبر و به گونه ای دقیق و جامع از ویژگی دیگر این تفسیر است اگرچه نیاز و بهتر بود در موارد اختلافی، نظر خاص مفسر محترم منتخب ایشان به نوعی معلوم می شد.

به عنوان نمونه، تحت عنوان «مفردات» آورده است: شهر: از شهرت و ظهور است.^۱ داد و ستد ماه به ماه را مشاھره گویند.^۲

کلمه شهر به منظور تعظیم تکرار شد: (شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِي ... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ...؛ مانند (الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ).^۳ الف و لام در کلمه (الشَّهْر) برای تعریف و معهود ذکر بودن است؛ نظیر (أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا * فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ).^۴

رَمَضان: از ریشه «ر م ض» به معنای شدت حرارت است^۵ و در اصطلاح، ماه نهم از ماه های قمری را گویند. در علت نامگذاری این ماه به «رمضان» وجوهی گفته اند؛ مانند:

۱. رَمَضٌ، بارانی است که قبل از پاییز می بارد و زمین را شست و شو می کند؛ همچنین ماه رمضان انسان ها را از گناه شست و شو می کند.^۶

۲. رَمَضٌ، حرارت سنگ بر اثر تابش خورشید است^۷ و روزه دار حرارت تشنگی و مانند آن را احساس می کند.^۸ ۳. رَمَضٌ التَّصَلُّ (وَتَصَلُّ رَمِيضًا) یعنی تیر را تراشید.^۹ این اثر آورده است: اگر کسی را در حضور او مدح کنی گویا کارد رَمِيض (تیز) را بر حنجره او گذارده باشی: ...

فَكَأْتَمَّا أَمْرَتِ عَلِي حَلَقَهُ مَوْسَى رَمِيضًا.^{۱۰} در ماه رمضان تیر را تیز می کردند تا در ماه شوال قبل از رسیدن ماه های حرام جنگ صورت پذیرد.^{۱۱} ۴. رمضان از اسمای الهی است و بر اثر رحمت پروردگار گناهان بر طرف می شود.^{۱۲} البته برخی بر آنند که حدیثی که دلالت می کند بر این که رمضان از اسمای الهی است، ضعیف است و در حدیث صحیح اطلاق عنوان رمضان

اهتمام تسنیم در بیان اهداف سوره ها

تسنیم در آغاز سوره ها همچون بسیاری از تفاسیر سلف به بیان فضیلت سوره، تعداد آیات آن، اسامی سوره، فضای نزول سوره، زمان و مکان نزول سوره و تأثیر متقابل فضای نزول و معارف سوره می پردازد. در این میان، بیان اهداف سوره و خطوط حاکم بر آن، کار بس ارزشمندی است که آیه الله جوادی آملی در این تفسیر تلاش کرده است، تا از محور موضوعی سوره و هدف آن با ارائه راهکاری معین سخن بگوید و معیار خویش را در به دست آوردن خطوط کلی حاکم بر سوره عرضه کند. وی تشخیص خطوط کلی معارف هر سوره و دریافت پیام و هدف آن را در گرو پیمودن راه های زیر می داند:

الف: تعیین مکی یا مدنی بودن سوره و بررسی فضای نزول آن.

ب: بررسی صدر و ذیل سوره؛ چون ذیل سوره از باب «رَدُّ العجز الی الصدر» به منزله جمع بندی مضامین سوره است.

ج: انسجام و پیوستگی مطالب و آیات سوره.

د: تکرار برخی مطالب در مضامین سوره.

هـ: بررسی غرر آیات (آیات برجسته) سوره که به منزله واسطه العقد آن سوره است مانند آیات «شَهِدَ اللَّهُ ... (آل عمران/ آیه ۱۸) و «قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ ... (آل عمران/ ۲۶ و ۲۷) که در سوره آل عمران برجستگی خاصی دارد و نشانه آن است که خط اصلی آیات سوره تبیین توحید حق و به ویژه توحید افعال است.

و: بررسی شأن نزول برخی از آیات و فضای نزول مجموع سوره.

ز: رهنمود احادیث معتبر که در آگاهی دادن به سیر اصلی معارف سوره وارد شده است. (تسنیم، ج ۲ ص ۳۱)

مفسرانی چون سید قطب در فی ظلال القرآن، سعید حوی

بدون اضافه «شهر» مشهود است.^{۱۴} ۵. هنگام نامگذاری ماه‌ها نام هر ماهی را به مناسبت فصلی که در آن واقع شده بود، انتخاب می‌کرده‌اند، چون این ماه با گرم‌ترین روزهای سال همزمان شد آن را رمضان نامیدند.^{۱۵} قرطبی از ماوردی نقل کرده که نام ماه رمضان در جاهلیت «ناتق» بود.^{۱۶}

نکته: تقسیم سال به چند ماه نزد همه اقوام و قبایل یکسان نیست. برخی سال را به شش فصل و هر فصل را به دو ماه تقسیم می‌کنند؛ فصل اول محرم و صفر، فصل دوم ربیع اول و دوم، فصل سوم جمادی اولی و دوم، فصل چهارم رجب و شعبان، فصل پنجم رمضان و شوال و فصل ششم ذوالقعدة و ذوالحجه. برخی دیگر سال را به چهار فصل و هر فصل را به سه ماه تقسیم می‌کنند و چون ماه قمری کمتر از شمسی است، بعد از هر سه سال یک ماه اضافه می‌کنند.^{۱۷}

القرءان: قرآن از ریشه قرائت، به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر در ترتیل و سخن گفتن است. این واژه در اصل (مانند کفران و رجحان) مصدر است: (انَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ؛ فَاِذَا قُرْآنُهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ)^{۱۸} و در اصطلاح نام کتابی است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل گشته است. برخی راز نامگذاری آن را به «قرآن» این دانسته‌اند که حاوی نتایج همه کتاب‌های آسمانی، بلکه نتایج همه علوم است.^{۱۹} برخی جامعیت آن نسبت به خیر دنیا و آخرت را سبب نامگذاری آن به «قرآن» دانسته‌اند.^{۲۰}

مريضاً أو علي سفر: عطف (على سفر) با این که ظرف است، بر (مريضاً) برای این است که در حکم اسم است؛ گویا گفته است «أو مسافراً»؛ مانند عطف (قاعداً أو قائماً) بر (الجَنِبِ) در آیه (... دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا)^{۲۱} زیرا (الجَنِبِ) در حکم «مضطجعاً» است.^{۲۲}

اليسر: يسر سهولت همراه به وسعت است؛ در برابر عسر که صعوبت و سختی قرین با مضيقه است (تسليم، ج ۹ صص ۳۲۱-۳۲۴).^{۲۳}

رویکرد جوادى آملی به تناسب آیات

ویژگی دیگر تسنیم، تلاش مفسر آن در بیان تناسب آیات است. به تعبیر سیوطی «کاوش در تناسب میان آیات با یکدیگر، تناسب میان آیات پایانی سوره‌ای با آیات آغازین سوره بعد، تناسب میان آغاز سوره‌ها و آیات پایانی آن سوره - ها بخشی از تلاش محققان قرآنی گذشته بوده است» (تناسق الدرر فی تناسب السور، سیوطی، صص ۸۲-۸۴). اگرچه تناسب میان آیات از دیرباز میان مفسران و قرآن پژوهان حضور داشته است، اما رویکرد جوادى آملی به تناسب میان آیات متفاوت با دیگران است. وی با این که در این تفسیر



بسیار کوشیده است تا برای همه آیات، تناسبی را با آیات قبل و بعد بیان نماید، از در افتادن به استظهار تحمیلی پرهیز دارد. «تناسب بین آیات بر فرض تمامیت کلامی و ظهور دلالتی، نه استظهار تحمیلی، به معنای تقارن و تقارب نزول آیات نیست، زیرا برخی از آیات سوره بقره در سال اول هجرت نازل شده و بعضی دیگر آن، مانند آنچه مربوط به تحویل قبله است، در سال دوم هجرت نازل شده و آیات راجع به حج و عمره و سعی بین صفا و مروه در جریان عمره القضاء یا حجة الوداع، یعنی با فاصله شش یا هشت سال بعد نازل شده است. البته قرار دادن آیات قرآن در سوره معین و بعد از آیات مشخص و قبل از آیات معلوم دیگر حتماً حکیمانه و با حفظ تناسب بوده است، لیکن باید بین تناسب محتوا و تقارن یا تقارب نزول فرق نهاد» (تسليم، ج ۸ صص ۲۸).

ایشان در بیان تناسب آیه ۲۱۵ سوره بقره با آیات قبل و بعد چنین نوشته‌اند: «در آیه پیش با بیان این سنت الهی که بهشت تنها در گرو تحمل سختی‌هاست و کمال‌های انسانی بدون موفقیت در آزمون‌های الهی به دست نمی‌آید، زمینه طرح دو آزمون مهم انفاق و جهاد فراهم آمد در آیه مورد بحث و سه آیه پس از آن برخی از مسائل اساسی انفاق و جهاد بیان شده است. نخست گوشزد شده چه چیز، به چه کس و به چه نحو انفاق شود، سپس موضوعات مهمی درباره قتال با مشرکان مطرح می‌شود..»

در پایان به کسانی که تحت تأثیر وسیله‌های مشرکان از دین خدا دست برمی‌دارند هشدار داده می‌شود که همواره در آتش دوزخ‌اند و به مؤمنان، مهاجران و مجاهدان نوید رحمت خاص الهی داده می‌شود» (تسليم، ج ۱۰ صص ۵۱۳).

موجب یا مرجع تصدیر سور به حروف مقطعه نیست. بلکه وجوه مشترک ویژه که در سوره‌های مصدر به حروف مقطعه است، موجب یا مرجع تصدیر آنها به حروف مقطعه می‌شود (همان، ج ۲ ص ۱۰۰) آن‌گاه در لطایف و اشارات حدس علامه طباطبایی را خود در عدد حروف مقطعه تسری می‌دهد؛ یعنی «حدس صائب یا محتمل الاصابة حضرت استاد علامه طباطبایی (قدس سره) قابل تسری به اشتراک سور مصدر به حروف مزبور از جهت دیگر یعنی عدد نیز خواهد بود و آن این‌که سه سوره مشترک است در این‌که هر کدام دارای یک حرف مقطع است و چهار سوره شرکت در این دارد که حروف مقطع آنها دو حرفی است و سه سوره دارای حروف پنج حرفی است و دو سوره چهار حرفی و دو سوره پنج حرفی است. شاید برای اشتراک در عدد رمز خاص باشد و همچنین در سایر جهت مشترک (همان، ج ۲ ص ۱۰۴).

هرچند رویکرد عرفانی و اقبال به آراء ابن عربی در این تفسیر فراوان است، اما تلاش آیه الله جوادی آملی در تبیین و توجیه نظریه ابن عربی درباره حروف مقطعه جای بسی تأمل است. ایشان در ابتدا سعی دارند تا آراء ابن عربی را در حروف مقطعه درک عرفانی و رازگشایی از این حروف قلمداد نمایند و آن‌گاه به تفصیل اندیشه وی را محل تأمل خوانند، بی‌آن‌که در نقد آن اندکی تردید راه دهند! «در این صحنه، در مرحله اول عارفان و در مرحله بعد حکیمانی که صبغه عارفان را در سیرت خود استمرار داده‌اند و یا در مقطع خاص به تدوین رساله عرفانی مبادرت کرده‌اند از راز و رمز حروف مقطعه سخن گفته، آن پرده‌نشین محبوب را برای برخی اصحاب سر، شاهد بازاری کرده‌اند و این انزال ماورای حجاب به بیرون، و تنزیل سر مستور به مقام مشهور با حکم ازلی منافات ندارد، زیرا گرچه حکم ازلی درباره گلاب و گل این بود که گلاب پرده‌نشین مستور و گل شاهد مشهور باشد... لیکن در همان ازل چنین ترسیم شده که برخی اسرار افشا نشده، مشهور شود، ولی نه برای هر کس، بلکه برای خواص که راهی مستور و مصون از غبار غیریت و طریقی نزدیک‌تر از حبل الورد دارند...» (تسنیم، ج ۲ ص ۱۰۶) اگر چه مؤلف تسنیم خود به ناهماهنگی در نظریه ابن عربی اشاره می‌کند اما باز تلاش دارند تا آن را توجیه نمایند «جناب ابن عربی از یک‌سو در مطلع سوره یس، یس را منادای مرخم می‌داند و از سوی دیگر در طلوعه سوره بقره مجموع سور مصدر به حروف مقطعه را ۲۹ رقم می‌داند، چنان‌که برای سوره‌هایی که مصدر به دو حرف از حروف مقطعه است به طس، یس، حم، (حوامیم سبعه) و طه مثال یاد می‌کند. بنابر این، جمع میان دو بیان مزبور قابل تأمل است، زیرا در ابتدای امر ناهماهنگی به نظر می‌رسد»



مباحث علوم قرآنی در تسنیم

تسنیم افزون بر مقدمه مفصل در باره روش تفسیری، در لایسای بحث‌های تفسیری نیز، با دقتی در خور تحسین به بیان مباحث علوم قرآنی پرداخته است. پردازش مباحثی چون تمثیل در قرآن، تناسب آیات، شأن نزول آیات، اسباب النزول، حروف مقطعه بر زیبایی و توانمندی این اثر افزوده است. به عنوان مثال آیه‌الله جوادی آملی در مقدمه تفسیر سوره بقره، آراء و احتمال‌های گوناگونی را که مفسران و قرآن‌شناسان در طول تاریخ تفسیر درباره حروف مقطعه قرآن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، نقل و با دقت و احترام و انصاف نقد نموده‌اند (تسنیم، ج ۲ صص ۶۹-۱۱۰). البته ایشان بعد از بیان دیدگاه علامه طباطبایی درباره حروف مقطعه، با تدبر در سوره‌هایی که حروف مقطعه همسان دارد؛ مانند سوره‌هایی که با «الم، الر، طس یا حم» شروع می‌شود، به این نتیجه می‌رسد که سوره‌های دارای حروف مقطعه مشترک، در مضامین و سیاق‌ها نیز با یکدیگر مشابه و متناسبند و این تشابه ویژه میان سوره‌های مزبور با سایر سوره‌ها وجود ندارد با احتمال صائب دانستن این رأی در صورتی که چهار شرط را در خود داشته باشد.

اولاً جهات مشترک ویژه‌ای بین سوره‌های مصدر به حروف مقطعه خاص یافت شود؛ ثانیاً آن وجوه مشترک در سایر سوره یافت نگردد؛ ثالثاً سایر سور با یکدیگر جهات مشترک دیگر نداشته باشند و رابعاً بر فرض داشتن وجوه مشترک دیگر چنین حدس زده شود که هرگونه وجوه اشتراکی



(همان، ج ۲ ص ۱۱۰). اگر چه داستان حرف مقطعه در سوره «ص» و «ن والقلم» در اندیشه ابن عربی خود خواندنی است که استاد جوادی آملی از آن هم به سادگی گذشتند! و هر چند پذیرش نگاه ابن عربی از نوشتار تسنیم به عنوان نظریه‌ای رازگشا وانمود شده است «تا پیام» اصحاب بصر» همراه با سخن «اریاب نظر»، و معتذیان مائده قرآنی و معتذیان مآدبه آسمانی هر کدام برابر سعه وادی خود از سراب برهند و سر آب آیند و سیراب گردند» (همان، ج ۲ ص ۱۰۷). اما با این وجود، نظریه خاصی درباره حروف مقطعه از تسنیم به دست نمی‌آید.

۵. تقوا بهترین توشه

- و كان الحسن بن علی (ع) يقول: ابن ادم انك لم تزل فی عمرک منذ سقطت من بطن امك فخذ ممّا فی یدیک فان المؤمن يتزود و ان الكافر يتمتع - وكان ینادی مع هذه الموعظه - (و تزودوا فان خیر الزاد التقوی) «تسنیم، ج ۱۰، صص ۱۱۵-۱۱۱».

از دیگر امتیازات این تفسیر آن است که در ذیل روایات در بحث روایی در طول تفسیر مباحث ارزشمندی با عنوان «شاره» به قلم مفسر محترم نگارش یافته که بیان برخی از معارف روایات تفسیری به شمار می‌رود.

زبان نامأنوس تسنیم

شاید تلاش صاحب تسنیم، نگارش به زبان فارسی خدمت شایانی به فارسی‌زبانان و یابایی و یویایی زبان فارسی و تفسیر؛ فهم بیشتر مخاطبان اعم از عوام و خواص، فزونی اقبال تفسیر و رابطه مستقیم مفسر با مخاطب - بدون اینکه مترجم مقصود را با زبانی نه چندان شیوا و رسا بیان کند - بوده است. اما به‌کارگیری ادبیاتی نه چندان مأنوس و واژگانی غریب و دورافتاده که بیشتر برای مسجع‌گویی و رعایت وزن به‌کار گرفته شده‌اند و پیچیدگی در گفتار ناتوانی مخاطب را در درک دقیق و روان متن به همراه دارد؛ به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد به ذهن می‌رسد سجع‌گویی خود موضوعیت یافته است و آرایش کلام اصل قرار گرفته است. مانند:

«فهرأ لفظی که معنای آن بدیهی است بی‌نیازی تفسیر است چنان‌که کلمه یا کلامی که با تعمیمه و الغاز ادا شده و از سنخ معما و الغاز باشد بر محور فرهنگ محاوره و تفاهم ایراد و تفاهم نشده است و حکم ویژه خود را دارد» (تسنیم، ج ۱ صص ۵۳).

و یا در جلد هشتم چنین آورده‌اند: «برخی از پیشگامان تفسیر چون فخر رازی که نه از اطاله تحاشی داشتند و نه از احاطه به غیب حیادی، متولی بیان تناسب‌های احتیاطی شده‌اند» (تسنیم، ج ۸ صص ۲۸) و یا «اکنون که سورت استبعاد

دسته‌بندی موضوعی روایات تفسیری

از امتیازات تفسیر تسنیم دسته‌بندی موضوعی روایات تفسیری است که حتی در تفاسیر مأثور مشاهده نمی‌شود و به عنوان نمونه یکی از آن موارد ارائه می‌گردد:

۱. ماه‌های حج

- عن ابی جعفر (ع) قال: «الحج اشهر معلومات»، شوال و ذوالقعدة و ذوالحجة لیس لأحد ان یحج فیما سواهن.

- علی بن ابراهیم باسناده قال: «اشهر الحج، شوال و ذوالقعدة و عشر من ذوالحجة»

۲. واجب کردن حج

- عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل: «الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهم الحج...» و الفرض: التلبیة و الاشعار و التقليد فای ذالک فعل فقد فرض الحج»

۳. برخی محرّمات حج

عن علی بن جعفر قال سألت اخی موسی (ع) عن الرفث و الفسوق و الجدل ما هو و علی من فعله؟ قال: «الرفث: جماع النساء و الفسوق: و الکذب و الفاخرة، و الجدل: قول الرجل لاوالله» و «بلی والله».

۴. پاداش پرهیز از محرّمات احرام

قال رسول الله (ص): «من هذا البیت فلم یرفت و لم یفسق خرج من ذنوبه کما ولدته امه»

- عن محمد بن مسلم قال: سألت اباجعفر (ع) عن قول الله: «فمن فرض فیهم الحج فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج» قال (ع): یا محمد ان الله اشترط علی الناس شرطاً و شرط لهم شرطاً فمن وفى الله وفى الله له. «قلت: فما الذی اشترط علیهم و ما الذی شرط لهم؟ قال: «اما الذی اشترط علیهم فانه قال: الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهم الحج فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج. و اما ما شرط لهم فانه قال: «فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه و من تأخر فلا اثم علیه لمن اتقی» قال: یرجع لاذنب له.»

برخوردار است که مؤلف آن تلاش دارد تا با برخورداری از عقل و نقل و عرفان اثری ماندگار و رازگشا به زبان زیبایی فارسی ارائه نماید و از آنجا که می‌توان با دو یادگار ماندگار پیامبر اکرم (ص)، تبیین و تفسیر کاملی از قرآن به رشته نوشته در آورد این اثر بی‌نظیر و محل رجوع تفسیرپژوهان و قرآن-شناسان خواهد بود. امید آن می‌رود تا هرچه زودتر مجلدات بیشتری از این چشمه جوشان و آبشار بارش شراب طهور در اختیار جوامع و مجامع علمی و دینی گردد. |



پی نوشت:

- * هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل و دانشجوی دکتری علوم قرآنی مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم
۱. المصباح، ص ۳۲۵، «ش هـ ر».
 ۲. ترتیب کتاب العین، ج ۲، ص ۹۵۰.
 ۳. سورة حاقه، آیات ۱-۲.
 ۴. سورة مزمل، آیات ۱۵-۱۶.
 ۵. المصباح، ص ۲۳۸؛ مفردات، ص ۳۶۶، «رم ض».
 ۶. ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۷۱۳؛ لسان العرب، ج ۷، ص ۱۶۱، «رم ض».
 ۷. التفسیر الکبیر؛ مج ۳، ج ۵، ص ۸۳.
 ۸. ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۷۱۳، «رم ض».
 ۹. الجامع لأحكام القرآن، مج ۱، ج ۲، ص ۲۷۱.
 ۱۰. لسان العرب، ج ۷، ص ۱۶۲، «رم ض».
 ۱۱. النهاية، ج ۲، ص ۲۶۴.
 ۱۲. رک: الجامع لأحكام القرآن، مج ۱، ج ۲، ص ۲۷۱.
 ۱۳. رک: مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۴۹۵.
 ۱۴. المصباح، ص ۲۳۹؛ الجامع لأحكام القرآن، مج ۱، ج ۲، ص ۲۷۲.
 ۱۵. رک: المصباح، ص ۲۳۸؛ النهاية، ج ۲، ص ۲۶۴، «رم ض»؛ جامع البیان، مج ۲، ج ۲، ص ۱۹۰؛ مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۴۹۰.
 ۱۶. الجامع لأحكام القرآن، مج ۱، ج ۲، ص ۲۷۱.
 ۱۷. تفسیر التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۱۶۸.
 ۱۸. سورة قیامت، آیات ۱۷-۱۸.
 ۱۹. مفردات، ص ۶۶۸، «ق رأ».
 ۲۰. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۹۱.
 ۲۱. سورة یونس، آیه ۱۲.
 ۲۲. جامع البیان، مج ۲، ج ۲، ص ۲۰۶؛ مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۴۹۶.
 ۲۳. التحقیق، ج ۱۴، ص ۲۴۳، «ی س ر».

رأی اهل معرفت شکست و صولت افکار خردورزان و اندیشه-پیشگان در ساحت محترفان شهود و مدعیان صعود قله عرفان تعدیل شد... و متغذیان مانده قرآنی و مغتذیان مآدبه آسمانی هر کدام برابر سعه وادی خود از سراب برهند و سر آب آیند و سیراب گردند و سائلان مسائل غیبی به وسعت هندسه وعاء خویش سائل شوند» (تسنیم، ج ۲ ص ۱۰۹)، که موارد متعددی از این تعابیر در تسنیم به کار رفته است.

شایسته بود در تفسیری که جهت فهم بیشتر فارسی‌زبانان به فارسی نگارش نشده است، روایات تفسیری نیز با ذکر ترجمه بیان می‌گردید و روایات با بیانی قابل فهم به فارسی منتقل می‌شد و مراجعان به این کتاب ارزشمند از روایی و رسایی در برگردان روایات نیز بهره‌مند می‌شدند. اگرچه مفسر محترم ذیل برخی روایات «اشاره» ای به مفهوم روایت دارند.

جای خالی اعتبارسنجی روایات تفسیری

یکی از نکات قابل ذکر در تسنیم این است که با توجه به جایگاه سنت در روش تفسیری آیه‌الله جوادی آملی، عدم داوری روایات ذکر شده در این تفسیر و نیز عدم ذکر سلسله سند روایات، این احتمال را در خواننده تقویت می‌کند که روایات تفسیری از نگاه مفسر محترم قطعی الصدور و یا تلقی به قبول گرفته شده‌اند اگرچه ذکر سلسله سند موجب طولانی شدن می‌شود، اما با توجه به گستردگی مباحث و نکات در این تفسیر، ذکر سلسله سند می‌توانست از نقاط قوت آن به شمار آید و هر چند بررسی رجال سند و یا داوری در باب روایات کاری بس سخت و توان فرسا می‌باشد، اما زمانی که روش تفسیری، «سنت» جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. شایسته است که رجال سند و یا مباحث فقه الحدیثی گستره‌ای گسترده‌تر یابد.

سخن پایانی

تفسیر تسنیم از پویایی و پایایی و رسایی و جامعیت خاصی